جامعة الرياض
المكتبة المركزية - قسم المخطوطات

وربایندن زن وآسان کردن وکشودن موی وگذاشتن آن تسلیح سلاح پوشیدن
تشریح بیک بیان کردن وآشکار کردن وشرحه وشرحه کردن گوشت تصبیح بامداد
الجر گفتن وآمدن هنگام صبح تصریح خالص وروشن گفتن وآشکارا شدن تصفیح
دست بهم زدن وپهن گردانیدن تصفح صفحه صفحه نگریستن ودر کاری نظر کردن
تصافح یکدیگر را دست گرفتن تفاح بالضم وتشدید فا سیب تفریح شاد کردن تقبیح
زشت کردن تلقیح کشنی خرما را دادن باز تلمیح نگاه سبک بچیزی کردن و باصطلاح
اهل معانی اشارت کردن در کلام بقصه یا باصطلاح نجوم وریاضی وعربیت ومانند آن
تلویح سوختن وگردانیدن آفتاب وآتش رنگ روی را وگرم گردانیدن رنگ و
دادن جامه را ودرخشان کردن واشارت کردن ونام کتابیست در اصول فقه
تصنیف مولانا سعد الدین التفتازانی تمدح ستودن وتکلف کردن در ستایش
خود وافتخار نمودن تملیح نمک کردن وچیزی نمکین آوردن تمساح بالکسر
نهنگ تمازح با یکدیگر مزاح کردن تنقیح پاک کردن درخت از شاخ ریزه و
سخن از حرف رکیک ومغز بیرون کردن از استخوان توضیح روشن وپیدا
کردن وکتابیست معروف توشیح حمایل در گردن کسی کردن وآرایش دادن
توشح حمایل در گردن خود کردن وپوشیدن مع الخاء تلخیح پشت خم دادن
وسر بزیر افکندن مرادف تلخیح است که گذشت تلطیخ آلوده کردن تلطخ
آلوده شدن تمریخ روغن ومانند آن مالیدن تناسخ زایل شدن وبآخر
رسیدن قرنی بعد قرنی دیگر وآمدن زمانی بعد زمانی دیگر ومردن وارثان خرده
بعد از وارثان دیگر پیش از قسمت میراث وبدین معنی است مناسخه وتناسخ در
عرف زایل شدن روح از قالبی ودر آمدن بقالبی دیگر تنوخ بالفتح قبیله ایست
همین توبیخ تهدید وسرزنش کردن توریخ وتاریخ وقت چیزی پدید

آمدن

کردن

کردن توسیخ چرکین شدن توسیخ چرکین کردن مع الدال تأبید
جاوید کردن تأیید نیرو دادن وتوانا گردانیدن تبرید خنک گردانیدن
تبعید دور کردن تباعد از هم دور شدن تجرید برهنه کردن زمین
از نبات وجز آن وشمشیر از نیام بیرون کشیدن وبیراستن درخت و پوست
کندن وموی از پوست دور کردن وسوال کردن چیزی از کسی ونه دادن آن
وهالت ما دادن بکراهیت تجرد برهنه شدن وکوشش کردن در کاری
تجلید کتاب را جلد کردن وپوست باز کردن تجلد جلدی کردن وخود را
جلد نمودن تجنید لشکر جمع کردن تجدید نو کردن وپستان نیز بریدن تجدد
نو شدن ورفتن وخشک شدن شیر پستان ~~وپستان نیز بریدن~~ تجوید
نیکو کردن تحمید نیک ستودن وپی در پی ستودن تحدید تیز کردن وحد
چیزی آشکار کردن تحاسد بر یکدیگر رشک بردن تخلید جاوید کردن و
دست بر بخن در دست کردن ترداد و تردید گردانیدن چیزرا تردد
آمد شد کردن وگردیدن تزهد زهد نمودن وعبادت کردن تزود توشه بر
گرفتن تزاید افزون شدن تسوید سیاه کردن ومهتر کردن کسی را تسدید
راست گردانیدن وتوفیق راستی یافتن تشدید استوار کردن وحرف
را مشدد ساختن وبر کسی سختی کردن تشدد سخت شدن تشهد اشهد أن
لا إله إلا الله گفتن در نماز ونشستن آنمقدار تشید برافراشتن بنا تصعید
برآمدن بجای بلند وبر آمدن در وادی وگداختن تصعد بالا رفتن و
دشوار آمدن چیزی تقمیل خرقه در گور بستن ودارو بر جراحت بستن
تعقید پوشیده سخن گفتن چنانکه نیک نتوان دریافت وبسیار گره زدن و
جوشانیدن چیزی تا غلیظ شود تعاقد با هم گره بستن وپیمان بستن تعهد

Copyright © King Saud University